سال بیست و هفتم – شماره ۱۰۹۸
نسیم جنوب
www nasimjonoub COM
شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۳ ۱۲ صفحه – ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

سقوط نگران کننده طبقه متوسط

بیانیهٔ معاونت جوانان ستاد مردمی دکتر مسعود پزشکیان در استان بوشهر:

فرصت رشد و بالندگی روز افزون استان بوشهر را فراهم آورید



عکاس از مهسا وحدت

حکایت غرق شدن ۳۳ کارگر بندر بوشهر در سال ۱۳۴۱

شب ماتم کارگران کشتی در امواج سیاه دریای بوشهر

شورای راهبردی پتروشیمی‌ها به تفاهم‌نامه ورزشی با استان بوشهر، عمل نکرد

نقد و بررسی رمان «تو هم همینطور» نوشته حسین پورصفر، در تهران

رمان «تو هم همینطور»؛ جدال محترمانه حس و زندگی!

خارگ ، خارگ بود وقتی صنعت و جنگ هم نبود

تفاهم و همکاری کاراته‌کاران بوشهری با مربیان کاراته روسیه



مربی کاراته بوشهر به منظور ایجاد بستر و همکاری متقابل با اساتید کاراته به روسیه سفر کرد.

به گزارش روابط عمومی سبک ماتسوشیما استان بوشهر، به منظور تفاهم و همکاری متقابل کاراته‌کاران بوشهری با مربیان کاراته کشور روسیه، مجید کرمپور عازم کشور روسیه گردید.

در این دیدار طرفین در خصوص ایجاد راهکارهای توسعه همکاری دوجانبه در ابعاد مختلف ورزشی، آموزشی، فنی و رویدادهای ورزشی، مجید کرمپور مسئول سبک ماتسوشیما کاراته استان بوشهر با اساتید و مربیان فعال و نمایندگان کیوکوشین کاراته کشور روسیه به گفت‌گو و تبادل نظر پرداختند و در پایان این جلسات به همکاری‌های متقابل در مباحث مطروحه تاکید گردید.

مجید کرمپور عنوان کرد: باتوجه به تعامل‌های خوب استان بوشهر و مربیان فعال کاراته کشور روسیه شاهد برگزاری مسابقات خوبی خواهیم بود که با راه‌اندازی این تورنمنت ها مقدمات همکاری در این حوزه انجام گردد .

ثبت ۱۳۹ مورد چندقلوزایی در استان بوشهر

مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر از ثبت ۱۳۹ واقعه ولادت حاصل از چندقلوزایی در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۳ خبر داد.

«اسکندر پاسالار» در گفت وگو با ایرنا اظهار کرد: از این تعداد ۱۳۳ واقعه دوقلوزایی و ۶ واقعه سه قلوزایی است.

وی افزود: موالید چندقلوزایی، سهم ۴.۶ درصدی را از کل وقایع ولادت استان بوشهر به خود اختصاص داده اند.

مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر تصریح کرد: در ۶ ماهه نخست امسال تعداد ۲۶۶ نوزاد از واقعه دو قلوزایی و ۱۸ نوزاد از واقعه سه قلوزایی در استان بوشهر متولد شده اند که در مجموع ۲۸۴ ولادت حاصل از چندقلوزایی، به ثبت رسیده است.

پاسالار ادامه داد: شهرستان بوشهر با ۵۱ دوقلوزایی و چهار سه قلوزایی دارای بیشترین آمار چندقلوزایی استان است. از میان متولدین چندقلوزایی استان، ۱۴۴ نوزاد پسر و ۱۴۰ نوزاد دختر است.

۲۰۰ هکتار زمین به دهکده ورزش و سلامت بوشهر اختصاص یافت

استاندار بوشهر گفت: همزمان با آغاز هفته تربیت بدنی قطعه زمینی به مساحت ۲۰۰ هکتار به شهرک ورزش و سلامت بوشهر اختصاص یافت.

احمد محمدی زاده درحاشیه نشست شورای برنامه‌ریزی استان بوشهر در گفت وگو با ایرنا اظهار کرد: این زمین در نزدیکی شهر بوشهر واقع شده و تمام مجموعه‌های جدید ورزشی مرکز استان در این دهکده ورزشی احداث می‌شود.

وی افزود: به هیات‌های ورزشی نیز امکان داده می‌شود تا با تحویل گرفتن زمین و برنامه‌ریزی مناسب، اقدام‌های زیرساختی را اجرایی کنند.

استاندار بوشهر تصریح کرد: شورای برنامه‌ریزی استان بوشهر از یک جایگاه قانونی برخوردار و مهم‌ترین شورا در جهت پیشرفت و توسعه استان است.

محمدی‌زاده ادامه داد: در این نشست دستور کارهای مختلفی بسیار مختلفی ارائه و مورد رای‌گیری قرار گرفت که این طرح‌ها بیشتر در حوزه اقتصادی و برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بود. بخشی از دستور کارها نیز متعلق به الحاق اراضی جدید به محدوده شهرهای استان برای اجرا نهضت ملی مسکن بود که از جمله آنها الحاق ۳۷ هکتار زمین به شهر آبدان شهرستان دیّر بود. این زمین‌ها با هدف تامین مسکن مورد نیاز جوانان قطعه‌بندی و به جامعه هدف واگذار می‌شود.

اولین آندوسونوگرافی در بوشهر انجام شد

رئیس مرکز آموزشی درمانی شهدای خلیج‌فارس بوشهر از انجام اولین آندوسونوگرافی استان در این مرکز با استفاده از دستگاه‌های پزشکی به روز خبر داد. به گزارش ایرنا، «زهرا السادات جلالیان» در حاشیه اولین آندوسونوگرافی بوشهر اظهار کرد: پیش از این بیماران با تشخیص پزشک جهت انجام آندوسونوگرافی می‌بایست به خارج استان ارجاع می‌شدند که اکنون در جهت ارتقا کمیت و کیفیت خدمات تشخیصی- درمانی و افزایش رضایتمندی مردم در این بیمارستان انجام می شود. با اعتبار ۱۵۰ میلیارد ریال دستگاه آندوسونوگرافی خریداری و راه‌اندازی شده و از امروز در اختیار بیماران قرار گرفته است.

فوق تخصص کبد و گوارش مرکز آموزشی درمانی شهدای خلیج‌فارس بوشهر نیز گفت: آندوسونوگرافی یک روش تشخیصی پیشرفته از ترکیب ۲ تکنولوژی آندوسکوپی و سونوگرافی است که دریافت تصاویری باکیفیت و دقت بالای جزئیات از بافت دستگاه گوارش و اندام‌های مجاور آن انجام می شود.

برگزاری جشنواره فوتبال دختران شهرستان جم



جشنواره فوتبال دختران شهرستان جم با حضور چهار مدرسه فوتبال و ۱۴ تیم در سه هفته از امروز به میزبانی مجتمع گاز پارس جنوبی آغاز شد.

رییس هیات فوتبال شهرستان جم در حاشیه مراسم افتتاحیه این رقابت‌ها در گفت وگو با ایرنا گفت: بعد از تجربه موفقیت‌آمیز در جشنواره فوتبال و فوتسال پسران، امسال برای اولین بار جشنواره فوتبال دختران را نیز برگزار می شود.

سید عباس موسوی افزود: میزان استقبال تیم های ورزشی در این دوره از مسابقات چشمگیر است.

وی اضافه کرد: شهرستان جم در حوزه ورزش فوتبال دارای ظرفیت ها و استعدادهای فراوانی است و با برگزاری مسابقات در رده های مختلف سنی به دنبال کشف این استعدادها هستیم. شرکت های صنعتی منطقه نقش مناسب و موثری در برگزاری چنین رویدادهایی دارند که امروز شاهد مشارکت و همکاری مناسب شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی برای برگزاری این دیدارها هستیم.

فرهنگ‌سازی بین دانش‌آموزان خارگ برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

بخشدار ویژه خارگ گفت: مسئولیت‌پذیری وافزایش سطح اجتماعی دانش‌آموزان یک موضوع اصلی و جدی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدرضا دشتی زاده در نشست شورای اداری بخش ویژه خارگ اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران توانسته جایگاه خود را در دنیای امروز به دست آورده و علی رغم این‌که رژیم صهیونیستی روز به روز به انزوا می‌رود، جمهوری اسلامی ایران روز به روز به جایگاه واقعی خود نزدیک تر می‌شود.

وی افزود: تقویت علمی و تربیتی دانش‌آموزان با همراهی اولیا و عوامل مدرسه محقق می‌شود، مسئولیت پذیری و افزایش سطح اجتماعی دانش‌آموزان یک موضوع اصلی و جدی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

بخشدار ویژه خارگ تاکید کرد: یکی از راهکارهایی که نقش بسیار مؤثری در حوزه مبارزه با مواد مخدر دارد، تلاش و سرمایه‌گذاری برای ارتقای فرهنگ، ورزش و جایگاه علمی جامعه است.

وی تصریح کرد: با همکاری همگانی و سرمایه‌گذاری درست باید شرایطی مهیا شود تا کسی به سراغ مصرف مواد مخدر نرود.

برنامه کاربردی هوش مصنوعی در توسعه نفت و گاز

ترجمه حسین ایزدپناه



هوش مصنوعی در همه روش‌ها به دوران شاخص فعالیت‌های پژوهشی خود در سال‌های اخیر بازگشته است. افزایش سریع فعالیت‌های هوش مصنوعی با نشان دادن پتانسیل‌های خود به نسبت زیادی برای راهبری دستورالعمل‌ها در آینده می‌باشد.

در صنعت نفت و گاز تقریباً همه تکنولوژی‌ها ستاره درخشانی به حساب می آیند که توجه محققانی که عمر خودشان را وقف این موضوع کرده‌اند به خود جلب می نمایند .

برای موشکافی بیشتر در مورد هوش مصنوعی در توسعه میادین نفتی به صورت جزئی اگر روند آینده این تکنولوژی مهیج در صنعت نفت و گاز را در جستار ادبیاتی گوگل بررسی کنیم، به آمار بزرگی از مشاغل مرتبط با هوش مصنوعی برمی‌خوریم.

بر اساس جستار برنامه هوش مصنوعی، به موضوعات مهم در توسعه میدان نفتی شامل محاسبه دینامیک تولید، بهینه‌سازی برنامه توسعه‌ای، شناسایی ته‌مانده نفت، شناسایی شکاف، بازیابی نفت پیشرفته، به طور ویژه جستجو و خلاصه شده‌اند و نظرات مخالف و موافق مهیج محاسبه هوش مصنوعی با یکدیگر مقایسه شده است.

بر اساس آنالیزها، مباحث، و موقعیت، برنامه هوش مصنوعی در توسعه میدان نفتی به انعقاد رسیده و پیشنهاد ها و مسیرهای بالقوه برای آینده کار برنامه هوش مصنوعی در توسعه دادن نفت و گاز فراهم گردیده است.

مقدمه : هوش مصنوعی یک تاریخ طولانی دارد که از سال ۱۹۵۰ آغاز شده است. وقتی «آلن تورین» ریاضیدان بریتانیایی سوال مطرحی با این مضمون پرسید «آیا ماشین می تواند فکر کند؟» هوش مصنوعی به طور رسمی مورد پیشنهاد قرار گرفت و به عنوان یک رشته جدید تحقیقی در کنفرانس دانشگاه دورتمون در سال ۱۹۵۰ تعیین شد.

سپس اولین بهار هوش مصنوعی از راه رسید و وقتی هوش در رشته‌های مختلف مورد درخواست قرار گرفت، لابراتوارهای مرتبط نیز شروع به تأسیس شدن در کشورهای مختلف کردند و بعد کارشناسان بر این باور شدند که ماشین به زودی جایگزین بسیاری از بخش ها خواهد شد.

اگر چه وقتی به دهه ۱۹۷۰ رسید به دلیل محدودیت الگوریتم هوش مصنوعی، توسعه هوش مصنوعی نیز محدود شد. به دلیل ناتوانی در پیاده‌سازی در مقیاس بزرگ یا کارهای پیچیده چند سال بعدتر همراه با استفاده همه جانبه از سیستم هوشمند هوش مصنوعی شروع به رشد دوباره کرد.

به هر حال از زمانی که سیستم هوشمند نیازمند توانایی پردازش دانش قوی و هزینه نگهداری بالا شد، شکاف معناداری در توسعه هوش مصنوعی وجود نداشت. توسعه سریع کامپیوترها در اواخر دهه ۱۹۹۰به نظر می‌رسد کنترلی روی بهار از راه رسیده هوش مصنوعی بوجود آورده باشد.

بیش از ۶۰ سال بالا و پایین رفتن هوش مصنوعی به همراه فائق آمدن بر فناوری آلفاگو (AlphaGo) به فناوری لی سی دول (Leese-dol) بازگشت. سپس در سال ۲۰۱۷ فناوری آلفاگو با خود آموزشی پرسرعت بدون دخالت داده‌های بشری حضور یافت که مورد استقبال مشاغل بی‌شماری از زندگی قرار گرفت و اندیشه‌های تازه‌ای را برای هوش مصنوعی در بخش‌های زیادی بوجود آورد.

همزمان با توسعه «رایانش ابری»،کلان داده ها، شبکه عصبی مصنوعی، یادگیری عمیق و دیگر تکنولوژی‌های جدید می‌توان گفت هوش مصنوعی به جهش تازه‌ای دست یافته و زندگی روتین ما را به خوبی دستخوش تغییر قرار داده است.

ماشین های بدون راننده، سیستم تشخیص چهره و دیگر برنامه‌های کاربردی هوش مصنوعی بیش از این فقط افسانه و خیال بودند که در فیلم‌های علمی - تخیلی نمایش داده می‌شدند.

هوش مصنوعی تقریباً در همه بخش های زندگی مورد تقاضا بوده است. به عنوان هسته صنعت انرژی سنتی، صنعت نفت و گاز نیز هوش مصنوعی را در بر می گیرد مانند تکنولوژی‌های جدید، اکتشاف‌ها، تولید و توسعه نفت و گاز.

برنامه هوش مصنوعی در رشته مهندسی مواد نفتی در مجامع عمومی به‌وسیله انجمن های بین المللی کمی پیش از سال ۱۹۷۰ مورد استقبال قرار گرفت.

در سال ۲۰۰۹ مرکز تجهیزات ر و صنعتی(SPE) یک شعبه از آنالیز محاسبه هوش مصنوعی را برای بهبود تکنولوژی های مرتبط با هوش مصنوعی در حوزه مواد نفتی را ایجاد کرد.

در حال حاضر اپلیکیشن هوش مصنوعی در صنعت نفت و گاز با سرعت در حال توسعه می‌باشد همان‌طور که مفهوم هوش مصنوعی به طور منظم در بدنه مختلف صنعت نفت مانند مته کاری هوشمند،تولید هوشمند، خط لوله هوشمند، پالایش هوشمند و غیره و این در آینده مسیری را برای تحقیق و پژوهش خواهد بود.

همراه با الگوریتم های هوش مصنوعی،توسعه‌دهندگان یک سری از تکنولوژی‌های هوش مصنوعی کاربردی را در توسعه و اکتشاف توسعه داده اند.

در رشته اکتشاف، پیش از این ،بکارگیری متد ANN نتایج قابل ملاحظه ای را در کاستن از ریسک در اکتشاف و بهبود آمار موفقیت اکتشاف از خود نشان داده است.

در رشته مته‌کاری، تجهیزات جدید مانند تجهیزات مته‌کاری اتوماتیک و لوله مته هوشمند، سطح مته را بهبود و هزینه‌ها را به صورت چشمگیری کاهش داده‌اند. در توسعه میدان نفتی نیز بر اساس اطلاعات تاریخی تولید در میدان نفتی برای بهینه‌سازی طراحی توسعه، تکنولوژی هوش مصنوعی مدل اصلی بوده است.

منبع : 2020,CIMNE, Barcelona,Spain

زندگی آگاهانه

کدام موفقیت؟ بهترین خود یا بیل گیتس شدن؟

حسین زیرراهی –مدرس مهارتهای توسعه فردی



امروزه با گسترش دانش توسعه فردی تمایزی بین دو نوع موفقیت به وجود آمده است. یکی سرآمد جامعه شدن و از دیگران پیشی گرفتن مانند کارآفرینان و صاحبان کسب و کارهای بزرگ، قهرمانان ورزشی، هنرمندان بزرگ و دیگری پرورش توانمندی‌های فردی و رسیدن به سطحی بالاتر از قبل خود. البته این نوع دوم موفقیت آن‌چنان به چشم جامعه نمی‌آید و دارندگان آن اغلب گمنام هستند. ولی در هر جامعه، صنف، گروه و نقطه‌ای می‌توان این افراد را پیدا کرد. طبعا موفقیت از نوع اول برای همه جذابتر است و چه بسا در زبان عموم منظور از فرد موفق همان تعریف اول باشد. از نظر این قلم هم سرآمد جامعه شدن ارزشمند و خوب است ولی مایلم ضمن مقایسه‌ای بین این دو نوع موفقیت قضاوت را به عهده شما خواننده گرامی بگذارم.

اولین تفاوت این است که همه می‌توانند بهتر شوند ولی فقط عده کمی می‌توانند بهترین جامعه شوند. بهتر شدن نتیجه مسابقه دادن با خود است ولی بهترین شدن با کل جامعه. بنابراین از نظر آماری شما همیشه می‌توانید بهتر از دیروز خود شوید ولی فقط عده کمی می توانند موفق‌ترین فرد شهر شوند. هیچوقت پنجاه درصد جامعه به عنوان موفق‌ترین معرفی نمی‌شود. بنابرین بهتر شدن برای اکثریت جامعه قابل دستیابی ولی بهترین شدن فقط برای عده خیلی کمی میسر است. بهتر شدن در کنترل ما ولی بهترین شدن در کنترل ما نیست. شما می توانید هر روز ورزش کنید، دانش بیاندوزید، مهارت جدید یاد بگیرید، بیشتر کار کنید و حتی درآمد خود را بیشتر کنید. ولی برای قهرمان شدن باید با دیگران رقابت کنید. این که چقدر شما خوب هستید کافی نیست، خوب بودن دیگران هم بر نتیجه شما تاثیر می گذارد. در نتیجه همه عوامل در کنترل شما نیست. حتی عواملی مانند ژنتیک و شرایط خانوادگی قبل از اینکه به دنیا بیایید اثر خود را بر آینده شما گذاشته است و نمی‌توانید از آن فرار کنید. می‌توان همزمان در چندین جنبه بهتر شد ولی فقط در یک جنبه می‌توان بهترین شد. علاوه و بر انواع هوشهای یازده گانه و استعدادهای ذاتی که در موفقیت دخیل اند، مساله وقت هم اجازه نمی‌دهد یک نفر در بیش از یک جنبه بهترین جامعه خود شود. گاهی آن‌قدر برای عمیق شدن و رشد در یک جنبه وقت و انرژی گذاشته می‌شود که فرد از دیگر جنبه‌های زندگی غافل می‌شود. مانند فدا کردن سلامتی برای کار یا درآمد بالا، یا مشکلات خانوادگی دانشمندان و هنرمندان بزرگ. البته هستند بزرگانی مانند استاد شجریان که علاوه بر این‌که با اختلاف رفیع‌ترین قله آواز ایران بودند، در زمینه‌های دیگر مانند اختراع بیش از هفتاد ساز جدید موسیقی و استاد ممتاز خطاطی، اهل ورزش بوده و زندگی سالم و متعادلی هم داشتند. ولی به دلایلی که گفتیم چنین بزرگانی خیلی نادر هستند. بنابراین حفظ تعادل در بهتر شدن خیلی راحت‌تر از بهترین جامعه شدن است. و نهایتا بهتر شدن با فلسفه زندگی سازگارتر است. انسان را می‌توان حیوان تنوع‌طلب نامید. وقتی در جنبه‌های مختلفی از زندگی رشد می‌کنیم لذت بیشتری می‌بریم. چون هم تنوع آن بالا است و هم در طول زندگی جریان دارد و چیزی را فدای چیز دیگری نکرده‌ایم.

آقای پزشکیان! خیلی وقت نداری



مصطفی داننده: وضعیت مسعود پزشکیان به شدت حساس است. پس از پایان جنگ، هیچ رئیس‌جمهوری با شرایطی به این پیچیدگی کار خود را آغاز نکرده است. ایران و اسرائیل در آستانه‌ی جنگ تمام‌عیار قرار دارند و دولت، با وجود وعده‌هایش، به‌ویژه در حوزه‌ی اقتصاد، توان عملی کردن بسیاری از آن‌ها را ندارد.

با این حال، فعالیت‌های دیپلماتیک دولت و سفرهای وزیر امور خارجه به کشورهای همسایه نشان می‌دهد که پزشکیان و تیمش تمام تلاش خود را می‌کنند تا اوضاع به همین شکل حفظ شود و کار به پاسخ‌های نظامی ایران و اسرائیل نکشد. در غیر این صورت، خاورمیانه بدون جنگ غیرقابل‌تصور خواهد بود.

جنگ نظامی در خاورمیانه به معنای توقف صادرات نفت، فرار سرمایه‌ها و بحرانی‌شدن اوضاع برای کشورهای دیگر جهان نیز خواهد بود. در چنین شرایطی انتظار کاهش قیمت دلار یا کنترل تورم غیرمنطقی است. دولت‌های قبلی در شرایط عادی نتوانستند این مشکلات را حل کنند؛ چه برسد به دولت چهاردهم که در غیرعادی‌ترین اوضاع ممکن به سر می‌برد.

حال سوال این است: پزشکیان چه باید بکند تا رضایت مردم را جلب کند؟ پاسخ روشن است. اگر دولت در حال حاضر قادر به خلق دستاوردهای اقتصادی نیست، می‌تواند در مسائل اجتماعی گشایش‌هایی ایجاد کند.

رفع فیلتر شبکه‌های اجتماعی و گسترش پهنای باند اینترنت، از جمله اقداماتی است که می‌تواند موجبات رضایت عمومی را فراهم کند. انتظار می‌رفت که این موضوع از نخستین دستورات رئیس‌جمهور باشد و امیدواریم که به زودی شاهد حل این مشکل باشیم.

البته می‌دانیم که تصمیم‌گیری در این موارد ساده نیست. همین حالا هم مخالفان دولت در مجلس به دلیل حضور ظریف در کابینه، شمشیر را از رو بسته‌اند. به عنوان مثال، کامران غضنفری، نماینده جبهه پایداری، گفته است: «ظریف به‌صورت غیرقانونی معاون رئیس‌جمهور شده است. اگر پزشکیان او را در روزهای آینده عزل نکند، خود او را به دادگاه خواهیم کشاند و به ۱۰ تا ۱۵ سال زندان محکوم خواهد شد و از ریاست‌جمهوری هم عزل خواهد گردید.»

با وجود چنین مخالفانی، کار برای دولت سخت است، اما مردم حق دارند از وضعیت فعلی ناراضی باشند. آن‌ها باید احساس کنند که دولت تغییر کرده و وزیر ارتباطات پزشکیان با وزیر ارتباطات دولت رئیسی متفاوت است. اگر اوضاع به همان منوال گذشته ادامه یابد، تنها ناامیدی نصیب مردم خواهد شد.

در شرایط کنونی، جبهه پایداری در مجلس به دنبال اجرای قانون حجاب از سوی دولت پزشکیان است. دولت باید با قدرت به میدان بیاید و لایحه‌ای جدید در این خصوص به پارلمان ارائه کند. دولت پزشکیان باید کنش‌گر باشد، نه واکنش‌گرا. همان‌طور که مصدق با لایحه‌ی ملی‌شدن صنعت نفت نام خود را در تاریخ جاودانه کرد، پزشکیان نیز می‌تواند از طریق قانون در برابر گروه‌های تندرو ایستادگی کند.

آقای پزشکیان، مردم باید تغییر را احساس کنند. این تغییر باید در زندگی روزمره‌شان نمود داشته باشد. اگر فعلاً نمی‌توانید وضعیت اقتصادی آنها را بهبود بخشید، حداقل کاری کنید که مانند گذشته از اینترنت استفاده کنند و نگرانی بابت دخترانشان در خیابان نداشته باشند.

رسیدن به آرامش ذهنی می‌تواند قدم بزرگی برای دستیابی به اهداف بعدی باشد. فراموش نکنید که چهار سال ریاست‌جمهوری سریع‌تر از آن‌چه تصور کنید، خواهد گذشت؛ پس تصمیمات امروز را به فردا موکول نکنید./ عصر ایران

صنایع نفت، گاز و پتروشیمی استان بوشهر به مسئولیت اجتماعی خود در حوزه ورزش به‌خوبی عمل نکرده‌اند

رئیس کل دادگستری استان بوشهر گفت: صنایع نفت، گاز و پتروشیمی استان بوشهر به مسئولیت اجتماعی خود در حوزه ورزش به‌خوبی عمل نکرده‌اند که این مهم باید پیگیری شود.

به گزارش ایرنا ، مهدی مهرانگیز در نشست با مسئولان ورزش و جوانان استان بوشهر اظهار کرد: شرکت‌ها و صنایع حوزه نفت، گاز و پتروشیمی فعال در این استان از طرح‌های ورزشی حمایت ویژه نمی‌کنند.

وی افزود: عدم سرمایه‌گذاری در حوزه ورزش باعث وقوع جرایم درجامعه و هزینه‌های درمان آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد که لازم است صنایع پتروشیمی، گاز و نفت به حمایت از برنامه و طرح‌های ورزشی توجه ویژه کنند.

مهرانگیز یادآور شد: حضور سه فوتبالیست بوشهری، مهدی طارمی، مهدی قائدی، محمد محبی در تیم ملی فوتبال که همگی در تیم ملی تاثیرگذار هستند و ۲ گل مسابقه با تیم ملی ایران با قطر توسط بوشهری‌ها به ثمر رسید بیانگر استعداد ورزشکاران این استان است.

وی با بیان اینکه استان بوشهر در ورزش فوتسال حرف اول در کشور می‌زند گفت: این استان در رشته‌های مختلف ورزشی از ظرفیت‌های مهمی برخوردار است که نیاز به حمایت ویژه صنایع و شرکت‌های نفتی، گازی و پتروشیمی است.

رئیس کل دادگستری استان بوشهر ادامه داد: تنها در بخش صادرات سال قبل ۲۲ میلیارد دلار درآمد صادراتی کشور در استان بوشهر وصول شد ولی این استان از مشکلات مختلفی در بخش‌های گوناگون از جمله زیرساخت ورزشی برخوردار است.

مهر انگیز تصریح کرد: برای جسم سالم زندانیان استان ورزش به‌صورت ویژه در رشته مختلف از جمله ورزش پهلوانی و زورخانه‌ای، والیبال ، فوتسال، کبدی و سایر رشته‌ها پیگیری می شود.

وی با بیان اینکه ورزش نقش مهمی در کاهش جرایم دارد گفت: ۵۱ درصد از جرایم زندانیان در استان بوشهر در بخش‌های سرقت و مواد مخدر است.

شورای راهبردی پتروشیمی‌ها به تفاهم‌نامه ورزشی با استان بوشهر، عمل نکرد

مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر نیز گفت: در بخش کمک منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی طبق تفاهم‌نامه با شورای راهبردی پتروشیمی‌ها پارسال ۱۲۰ میلیارد ریال تصویب شد که از این مبلغ تنها تاکنون ۳۰ میلیارد ریال پرداخت شده است.

یاسر جمالی افزود: حمایت صنایع و شرکت‌های صنعتی و تولیدی از جمله مجموعه پتروشیمی‌ها از ورزش و طرح‌های ورزشی ضروری است.

وی یادآور شد: حضور تیم‌های فوتبال استان در لیگ برتر باشگاه‌های کشور تنها با حمایت بخش خصوصی شرایط فراهم نخواهد شد و نیاز است علاوه بر پرداخت شرکت‌های پتروشیمی در قالب مسئولیت‌های اجتماعی بخش دولتی نیز به تیم‌های فوتبالی کمک ویژه کند.

مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر از تجهیز ۱۴۰ محله، مکان و هیات ورزشی استان بوشهر با امکانات ورزشی در هفته تربیت بدنی گفت: طرح استعدادیابی و پیکرسنجی ورزشی در مدارس و هیات‌های ورزشی آغاز شده است. باتوجه به پرداخت اعتبارات عوارض آلایندگی به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها باید در این عرصه توجه ویژه‌ای به زیرساخت‌های ورزشی شود.

وی از آغاز طرح آماده‌سازی ورزشکاران بوشهری برای حضور در المپیک آینده خبر داد و بیان کرد: یکی از دغدغه هیئت‌های ورزشی در حوزه اعزام به مسابقات کشوری تأمین اعتبار بود که با پیگیری انجام شده این مشکل برطرف شده است.



خارگ ، خارگ بود وقتی صنعت و جنگ هم نبود

حسن وحسین مژده

خارگ تاریخش را که ورق بزنیم پر است از آمدن‌ها، رفتن‌ها، شکست‌ها، پیروزی‌ها، تلخی‌ها، شیرینی‌ها و ماندن‌ها، هر کدام را حکایت‌هایی است طولانی، از هجوم استعمارگرانی مانندپرتغالی ها، هلندی ها، انگلیسی ها و ... که این سرزمین به خود دیده است.

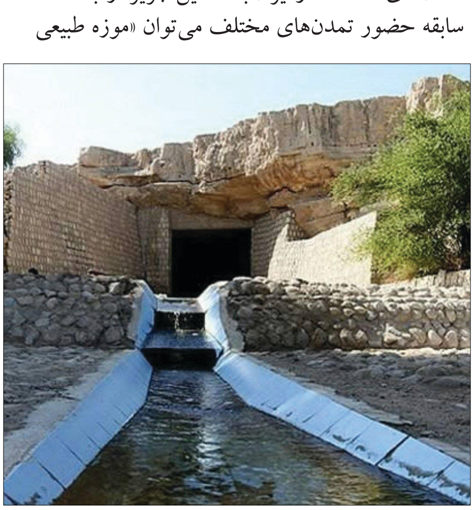
خوب است بدانیم که جزیره خارگ از فسیل‌ها و اندام‌های مرجان‌های دوکفه‌ای و دیگر جانداران دریایی که آمیخته با ذرات ماسه شده‌اند، تشکیل شده و تنها لایه‌ای نازک از سطح جزیره که ضخامتی حدود ۲۰ سانتی‌متر تا ۵ متر دارد، از سختی بیشتری برخوردار است. خارک از محدود جزیره‌های خلیج فارس است که با وجود قرار داشتن در دل آبهای شور دارای آب شیرین فراوان بوده و در سراسر جزیره آثار و نشانه‌های استفاده از آب شیرین از دیر باز به چشم می‌خورد.

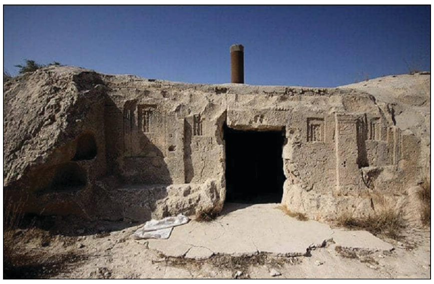
شاید آن‌چه بیش از هر چیز در ذهن همگان از جزیره



تاق سنگی بور عیلامی در جزیره خارگ

خارگ نقش بسته، عنوان بزرگ‌ترین پایانه صادرات نفت خام ایران با سهمی بیش از ۹۵ درصد از کل صادرات است، اما بُعد دیگری که کمتر نمود عینی پیدا کرده و بدان توجه نشده، میراث تاریخی و فرهنگی به جا مانده از تمدن‌های عظیم کُهن پارسی در این جزیره است که به جرات می‌توان لقب باستانی‌ترین جزیره ایران را بر آن نهاد، چراکه کمتر جزیره‌ای را می‌توان یافت که دارای این همه آثار باستانی متعلق به تمدن‌های مختلف در ایران باشد. این جزیره را به لحاظ سابقه حضور تمدن‌های مختلف می‌توان «موزه طبیعی





دیرینه‌شناسی و باستان‌شناسی ایران» نامید.

آثار بجای مانده از دوران تاریخی و باستانی جزیره خارگ؛

بقعه میرمحمد حنفیه، کتیبه هخامنشی، گوردخمه و معبد پالمیران،کلیسای نسطوریان، قبرهای سنگی یا گودال‌های ذخیره آب، رشته قنات‌های باستانی، استودان‌های هخامنشی، گورستان باستانی، قبور اسلامی(میرعبدالله،علمدار و میرشهاب الدین، بقعه خضر نبی، مقبره دیده بان)،آتشکده زرتشتیان، بنای چهار طاقی، معبد پوزیدون، باغ شاهی،غُراب کافر، آب انبار باستانی، نردهای سنگی،

دو خواهرون(آثاربجای مانده از قبور عیلامی) و... می‌باشد که بیانگر خارگ شدن این جزیره باستانی است.

نقل از جمات مژده نویسنده کتاب الخاری و الخواری؛خارگ نامی آشنا که در طول تاریخ گذشته با نام‌های چون آراکیا،ایکاره،ایکارا،ایکاریوس، خاری و خارگ پیوسته چون گوهری درخشان بر تارک خلیج همیشه فارس درخشیده و می‌درخشد.

خارگ از قدیم از نظر سوق الجیشی بودن بسیارحائز اهمیت بوده و مروارید درخشان آن بنام گُماش الخاری شُهره عالم بوده است و امروز هم بخاطر طِلای سیاهش و به همین خاطر، بخاطر تسخیر آن مورد هجوم تاخت وتاز بیگانگانی چون پرتغال، فرانسه، هلند، انگلیس و... بوده است.

بقول استاد زنده یاد دکتر لیراوی بنظر من شهر خارگ یک کشور است که در یک معادلات نظامی با یک کشور عوض شد. (اشاره به تاریخ تبادل خارگ با یکی از سرزمین هیات) حداقل در دو مرحله جنگ ایران و انگلیس در زمان ناصر الدین شاه قاجار و محمد شاه قاجار به بهانه این‌که هرات دست ایران بود که ایران تخلیه کند، انگلیس با تمام قوا و نیروهای نظامی خارگ را اشغال کرد، که ایران هرات را تخلیه کند.

و ما هرات و افغانستان را از دست دادیم به خاطر خارگ و عظمت خارگ

پس خارگ یک کشور است از نظر ما خارگ مروارید یتیم خلیج فارس نیست بلکه مروارید گرانبهای خلیج فارس است.

سید حسن رضوی در مقدمه کتاب تاریخ جزیره خارگ فراز و فرود خاندان زعابی، آل مذکور و حیات داوودی اینچنین می گوید:

جزیره علی رغم کوچکی‌اش، تاریخی بس بزرگ و پرفراز و نشیب داردکه تنها به جرم قرار گرفتن در مسیر دریایی و داشتن چاه‌های آب شیرین خواهان بسیاری در طول تاریخ داشته است.

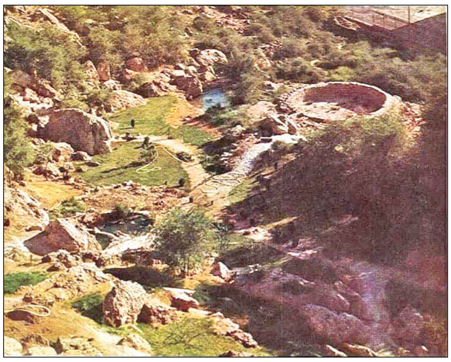
این دُرّ درخشان، آرمیده در مسیر شاه راهی باستانی میان بنادر بصره، مسقط و هندوستان که گذر دریانوردان به ناگزیر از این جزیره بوده است. این جزیره خارا پَستی و بلندی‌های زیادی را به خود دیده است.

تاریخ پنج هزار ساله جزیره پراست از زندگی، از جنگ و اشغال به دست اغیار.

قدیمی‌ترین تاریخ آن مربوط به دوره عیلامی است. دوهزار سال، سکونتگاه مسیحیان و زرتشتیان ساسانی گردید که برای خود آتشکده و کلیسا برپا کردند و برای سالیان متمادی همسایه مردمان بومی جزیره شدند.

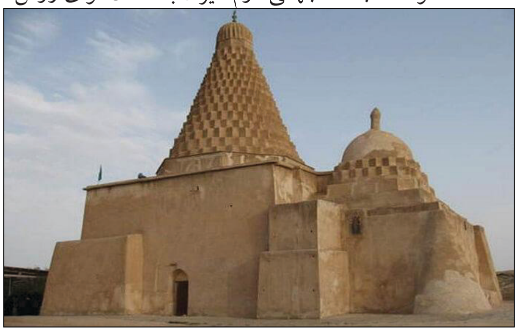
پانصد سال پیش در دوره حکمرانی صفویه بر ایران، جزیره به دست پرتغالی ها افتاد. زندگانی بر مردمان آن‌چنان تنگ گشت.

حدود سه قرن پیش خارگ به دست هلندی‌ها افتاد که



سیزده سال تمام مرکز تجارت و تاخت و تاز شرکت هند شرقی هلند گردید. جزیره سه بار به اشغال قوای انگلیسی درآمد. دو بار در سال های ۱۸۳۸و۱۸۵۶میلادی به بهانه محاصره هرات توسط محمد شاه قاجار و یک بار هم زمان جنگ جهانی اول ۱۹۱۳میلادی و۱۲۹۲شمسی.

هشتاد سال پیش در شهریور ۱۳۲۰شمسی که درپی حوادث جنگ جهانی دوم، ایران به اشغال قوای روس



و انگلیس درآمد، خارگ نیز از ترکش‌های این وقایع مصون نماند.

خارگ جزیره ای ایستاده در طول تاریخ در برابر هجوم گسترده بیگانگان، اما تا کنون همچنان استوار و سرافراز از دل آب‌های نیلگون خلیج فارس رو به افق سر به بیرون آورده است.

خارگ را قدر بداریم با مردمانش.

۴۰ درصد دانش‌آموزان بوشهری اضافه وزن دارند



معاون تربیت بدنی و ورزش اداره کل آموزش و پرورش بوشهر گفت: بر اساس طرح ملی رفع بحران چاقی، ۴۰ درصد دانش آموزان مقطع ابتدایی این استان اضافه وزن دارند که نسبت به شاخص کشوری بالا است.

به گزارش ایرنا؛ «مهدی عباسیان» در نشست خبری با رسانه‌ای استان بوشهر به مناسبت گرامیداشت هفته تربیت بدنی و ورزش اظهار کرد: این در حالی است که بر اساس طرح ملی رفع چاقی، شاخص کشوری اضافه وزن دانش‌آموزان ۳۴.۵ درصد در سال جدید بوده است.

وی افزود: این طرح از سال ۱۳۹۹ به شکل کشوری در مدارس ابتدایی به منظور جلوگیری از افزایش بی رویه وزن دانش‌آموزان آغاز شد که نتایج بدست آمده در سال جاری نشان می دهد تا حدودی این برنامه موفق بوده است.

معاون تربیت بدنی و ورزش اداره کل آموزش و پرورش بوشهر تصریح کرد: در صورت اجرایی نشدن این برنامه، می بایست اکنون شاهد افزایش چاقی بیش از ۴۰ درصدی دانش‌آموزان استان باشیم.

بانوی دشتستان بوشهر تسهیل‌گر نمونه کشوری شد



مدیر هماهنگی ترویج کشاورزی سازمان جهاد کشاورزی استان بوشهر گفت: سهیلا رستمی تسهیل‌گر دشتستان این استان در نخستین همایش بین‌المللی و هشتمین آئین ملی بزرگداشت روز جهانی زنان روستایی و عشایری به عنوان نمونه کشوری انتخاب شد.

شهریاری مرشدی در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: رستمی مدیرعامل صندوق حمایت از توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی شهرستان دشتستان است که از میان ۱۱ هزار تسهیل‌گر کشوری انتخاب و در آئینی با حضور وزیر جهاد کشاورزی و معاون رئیس جمهوری در امور بانوان مورد تقدیر قرار گرفت.

وی افزود: این همایش با هدف اعلام برنامه‌ها و سیاست‌های کلان ملی در راستای ایجاد همگرایی و پیوند فعالیت های علمی و اجرایی در زمینه توانمند سازی زنان روستایی و عشایری برگزار شد.

مرشدی یادآور شد: زمینه سازی برای ایجاد شبکه بین‌المللی همکاری‌ها و ایجاد فضای گفتمان زنان روستایی و عشایری در حضور اندیشمندان، برنامه‌ریزان و قانون گذاران کشور و ایجاد فضایی برای عرضه تولیدات زنان روستایی و عشایری از دیگر اهداف است.

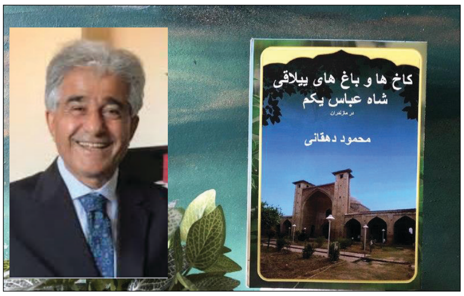
تازه‌ترین کتاب دکتر محمود دهقانی منتشر شد:

کاخ‌ها و باغ‌های ییلاقی شاه عباس یکم در مازندران

کتاب «کاخ‌ها و باغ‌های ییلاقی شاه عباس یکم» در فرح آباد و بهشهر استان مازندران نوشته محمود دهقانی، پیشینه این دو شهر را بررسی کرده و سرگذشت روزگار نخست شهرسازی تا به امروز را همراه با نقشه‌ها و عکس‌های نو و کهن آشکار می‌کند.

محمود دهقانی که بیشتر عمر خود را در دوبی، اسپانیا و استرالیا سپری کرده، برای پژوهش درباره شهرسازی روزگار صفوی فرح آباد (طاهان) و بهشهر (اشرف) چندین بار به مازندران سفر کرده است.

وی در این کتاب آورده است که علاقه شاه عباس یکم، به مازندران چند دلیل داشت. برجسته‌ترین آن برقراری امنیت و سرکوب یورشگرانی که به مازندران می‌تاختند، بود. پس از آن با تجربه و دانشی که از پیشرفت اقتصاد در کوچاندن ارمنی‌ها جلفای آذربایجان به اصفهان داشت، تلاش کرد بازرگانان مسلمان، مسیحی و یهودی را به سوی این دو شهر بکشاند. از سویی دسته‌های بزرگی از گرجستانی‌ها و ارمنی‌ها و اسرای جنگی آن سوی مرز را نیز با دادن زمین و فراهم کردن آسایش ازدواج در این دو شهر نوپا، سرگرم کار و زندگی کرد.



«پیترو دلاواله» مسیونر مذهبی مسیحی از ملازمان پاپ در تمجید شاه عباس و نکوهش شاهان اروپایی آنچنان قلم در دوات انتقاد زد که ممیزهای اروپایی آن زمان جلو چاپ بخشی از سفرنامه او را گرفتند. اقتصاد و آبادانی به گونه‌ای پیشرفت کرد که این مسیونر را به تحسین از شاه عباس واداشت. یک دهه پس از او نیز «توماس هربرت» از همراهان «سر داد مور کاتن» فرستاده انگلستان از پیشرفت این دو شهر نوشت. شاه عباس که در سن ۱۹ سالگی سکان فرمانروایی ایران را به دست گرفت نه تنها در درون، طومار ملوک الطوایفی و خان خانی را در هم پیچید بلکه دو دشمن سنتی ازبک و عثمانی را نیز در جنگ شکست داد.

با مصادره اموال برخی از کلان اختلاسگران قزلباش که پس از جنگ چالدران تا روزگار شاه عباس خود را طلبکار مردم می‌دانستند، آن‌ها را سر جای خود نشاند. مدرسه برای دانش و کاروانسرا برای بهبود تدارکات بازرگانی و گرمابه برای بهداشت ساخت.

شاه عباس مجیزگویان را از خود دور کرد. ساروتقی وزیر با دانش را در مازندران، گنجعلی خان در کرمان، سرتیپ قرچقای بیگ در آذربایجان و سپهبد امامقلی خان را فرمانده سپاه پارس و هرمزگان کرد.

دهقانی در کتاب پژوهشی خود می گوید: این پنجمین شاه صفوی با نبوغ خود با برپایی دو شهر فرح آباد و بهشهر نه تنها بازرگانی ابریشم و تولیدات ایران را گسترش داد و به کشور لهستان و اروپا صادر کرد بلکه در ساختمان‌ها و باغ‌های ییلاقی خود کارهای سیاسی، ارتشی و بازرگانی آن بخش از کشور را نیز رونق داد. پیشرفت شهرسازی به گونه‌ای بود که حتی شیوه معماری و فاضلاب بهشهر نیز زبانزد مردم و جهانگردان شد.

محمود دهقانی می نویسد کاخ چشمه، جویبارهای سنگی باغشاه (ملت)، آب بند عباس آباد برفراز کوه جهان مورا، نمایانگر اوج معماری روزگار صفوی است که با لوله های تنبوشه آب را در ساختمان‌ها به گردش در می آوردند. با شیوه آوا شنودی «اکوستیک» و ساختن حفره درون دیوار، از اشکوب همکف صدای موسیقی را در اشکوب بالا پژواک می‌دادند. در چهارتاقی و استخر عباس آباد فواره هایی اوج می‌گرفته که بدون برق و پمپ با اندیشه ژرف معماران و مهندسان صفوی ساخته شده و آب تا ده‌ها متر جهش داشته است.

استخر عباس آباد هنر معماری روزگار صفوی را در ساختن نخستین فواره بدون پمپ در ایران بازگو می‌کند. در روزگار کنونی نگهداری و بازسازی ساختمان‌های تاریخی از سوی وزارت میراث فرهنگی نه تنها گذشته را در آینه امروز بازتاب می‌دهد بلکه ثروتی را نیز به وجود می‌آورد که پس از خشکیدن چاه‌های نفت می‌تواند به کشور سود برساند.

محمود دهقانی در دی ۱۳۳۶ در کازرون به دنیا آمد. وی در رشته‌های سینماتوگرافی، رسانه‌های گروهی و معماری تحصیل و از دانشگاه‌های مادرید اسپانیا و سیدنی استرالیا فارغ‌التحصیل شده است. نخستین اثر او در نویسندگی رمان روستائی بورکی است که در سال ۱۳۷۴ در ایران به چاپ رسید. مدت بیست سال از عمر خود را با سازمان عفو بین‌الملل در راه آزادی زندانیان سیاسی ایران و جهان در اروپا و اقیانوسیه به فعالیت پرداخته است.

کتاب «کاخ ها و باغ های ییلاقی شاه عباس یکم در مازندران» نوشته محمود دهقانی با قلمی شیوا و روان در ۲۸۰ صفحه در قطع وزیری از سوی انتشارات «جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی» دفتر بندرعباس مرکز استان هرمزگان به چاپ رسیده است.

نقد فیلترینگ در عصر دیجیتال: نیاز به بازنگری در سیاست‌های ارتباطی

محی‌الدین حسینی‌مقدم



مقدمه: در عصر حاضر، شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزارهای اساسی برای ارتباطات انسانی و تبادل اطلاعات شناخته می‌شوند. استفاده گسترده از این پلتفرم‌ها در ایران، به‌ویژه در میان دانشجویان، نیاز به بررسی عمیق‌تری درخصوص سیاست‌های فیلترینگ و تبعات آن دارد. داده‌های نظرسنجی ایسپا، نشان‌دهنده چالش‌های جدی در این زمینه هستند.

آمار و واقعیت‌های موجود

با توجه به نتایج نظرسنجی، استفاده از تلگرام (۸۹.۵ درصد)، اینستاگرام (۸۵.۷ درصد)، واتس‌آپ (۶۶.۷ درصد) و یوتیوب (۵۰.۴ درصد)، نشان‌دهنده تمایل بالای کاربران به این پلتفرم‌هاست. این آمار، به‌ویژه در میان جوانان، بیانگر نیاز به فضایی برای ارتباطات آزاد و دسترسی به اطلاعات است. همچنین، میانگین زمان استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی به ۲۳۳ دقیقه (حدود ۴ ساعت) می‌رسد که نشان‌دهنده وابستگی عمیق کاربران به این پلتفرم‌ها و محتوای آن‌هاست.

فیلترینگ و تبعات اقتصادی-اجتماعی

فیلترینگ این پلتفرم‌ها، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی را به کاربران تحمیل می‌کند. استفاده از فیلترشکن‌ها به‌عنوان یک راه‌حل برای دور زدن محدودیت‌ها، نه تنها به معنای هزینه‌های مالی است، بلکه می‌تواند تأثیرات منفی بر سرعت اینترنت و کیفیت خدمات آنلاین داشته باشد. این مسائل به‌ویژه در جامعه دانشگاهی که به اطلاعات سریع و به‌روز نیاز دارد، به یک چالش جدی تبدیل می‌شود.

نقد سیاست‌های فیلترینگ

منتقدان فیلترینگ بر این باورند که این سیاست‌ها نه تنها به کاهش دسترسی به اطلاعات و ارتباطات می‌انجامد، بلکه به تضعیف اعتماد عمومی نسبت به تصمیم‌گیران رگولاتوری در این حوزه منجر می‌شود. فیلترینگ به‌جای این‌که به‌عنوان ابزاری برای کنترل محتوا عمل کند، به دلیل تقاضای بالا برای دسترسی به این پلتفرم‌ها، به یک عامل ناخودآگاه برای جذب بیشتر کاربران به این فضاها تبدیل شده است.

تمایل به استفاده از اپلیکیشن‌های فیلترشده

علی‌رغم موانع موجود، تمایل به استفاده از اپلیکیشن‌های فیلترشده از چند منظر قابل تحلیل است:

۱. نیاز به ارتباطات آزاد: کاربران به‌دنبال فضایی برای بیان افکار و احساسات خود هستند که فیلترینگ مانع آن می‌شود.

۲. دسترسی به اطلاعات و محتوا: با توجه به اهمیت اطلاعات در عصر دیجیتال، کاربران حاضرند هزینه‌های اضافی را برای دسترسی به اطلاعات پرداخت کنند.

۳. تجربه کاربری و امکانات بهتر: اپلیکیشن‌های فیلترشده معمولاً امکانات و قابلیت‌هایی ارائه می‌دهند که در سایر پلتفرم‌ها وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به داده‌های نظرسنجی ایسپا و تحلیل‌های ارائه‌شده، واضح است که کاربران به‌ویژه جوانان، تمایلی به فیلترینگ ندارند و به‌دنبال دسترسی آزاد به اطلاعات و ارتباطات هستند. این وضعیت نشان‌دهنده نیاز به بازنگری در سیاست‌های فیلترینگ و ارتباطی کشور است. در نهایت، لازم است سیاست‌گذاران به نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه توجه بیشتری داشته باشند و به‌جای فیلترینگ، به ایجاد فضایی امن و آزاد برای تبادل اطلاعات و ارتباطات توجه کنند.



کمترین سهم پوشش بیمه‌ای حوادث در استان بوشهر ثبت شده است

حوادث حین کار منجر به ۳۰ فوتی در استان بوشهر شد

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان بوشهر گفت: حوادث کارگران شرکت‌های پیمانکاری امسال منجر به فوت ۲۷ نفر و ۳۰۰ نفر مصدوم شده است.

به گزارش ایرنا، مجید آرامی در نشست بررسی حوادث شرکتی‌های پیمانکاری در استان بوشهر اظهار کرد: حوادث در حوزه کارگری و پیمانکاری منجر به فوت در این استان نسبت به مدت مشابه با افزایش ۶۰درصدی روبرو است.

وی افزود: پارسال ۶۹۰ پرونده ناشی از حوادث کارگری در دادگستری استان بوشهر تشکیل شد.

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان بوشهر یادآور شد: پیشگیری از حوادث حوزه کارگری و پیمانکاری به‌عنوان مسئولیت‌های اجتماعی یکی از رسالت‌های مهم این معاونت است که مقرر شد با آسیب‌شناسی و پیگیری علل این وقایع و حوادث نشست‌های تخصصی با پیمانکاران و کارفرمایان که مستقیم با این حوادث مرتبط هستند تشکیل شود.

آرامی گفت: علاوه بر پیشگیری از حوادث دنبال امکان ترمیم و جبران خسارت این حوادث از طریق توصیه به اخذ پوشش‌های بیمه‌ای مناسب و متناسب با میزان مسئولیت‌های اجتماعی هستیم.

معاون قضایی دادگستری استان بوشهر افزود: بر اساس آمارها کمترین سهم پوشش بیمه‌ای حوادث در این استان ثبت شده است که ناشی از عدم آشنایی کارفرمایان و یا مردم با حمایت‌های بیمه‌ای است.

وی یادآور شد: این درحالی است که الزامات قانونی در این موضوع دلالت دارد و قانون اجبار به پوشش بیمه حوادث کرده است.

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان بوشهر اضافه کرد: تلقی برخی کارفرمایان این است که اگر کار به پیمانکار واگذار شود مسئولیت از آنان سلب می‌شود در صورتی‌که مسئولیت نظارتی ایجاب می‌کند که همواره و به‌صورت مستمر نظارت بر اقدامات پیمانکار و مجموعه عوامل کاری داشته باشند و اگر خسارتی به شخص ثالث وارد شد بر اساس قانون کارفرما مسئولیت دارد.

وی با اشاره به این‌که اگر حادثه‌ای منجر به فوت شود تا سه سال حبس می‌تواند در پی داشته باشد گفت: ضرورت دارد در باب تامین‌اجتماعی و جلوگیری از حوادث آگاهی کارفرمایان و پیمانکاران افزایش یابد تا دچار مشکل نشوند.

معاون قضایی دادگستری استان بوشهر ادامه داد: بیشترین حوادث فوتی و خسارتی پیمانکاران و کارفرمایان در این استان در بخش کارگری حوزه صنعت ساختمان‌سازی است.

بیانیهٔ معاونت جوانان ستاد مردمی دکتر مسعود پزشکیان در استان بوشهر خطاب به استاندار آینده:

فرصت رشد و بالندگی روز افزون استان بوشهر را فراهم آورید

پیروزی درخشان مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم، بی‌گمان مرهون و مدیون زحمات شبانه‌روزی جوانان بی‌ادعا، فکور و امیدوار به آینده بود که در سراسر کشور مسیر عقلانیت را برگزیدند و یگانه راه رسیدن به آرمان‌ها و مطالبات خود را صندوقهای رای اعلام کردند. بی هیچ گمان و تردیدی بهانه برای ناامید شدن و بی‌تفاوتی پیشه کردنِ نسل جوان در انتخابات گذشته کم نبود؛ اما آن‌چهِ نمود یافت خردمندی و عقلانیت مدنی بود که اجازه نداد کشور در دست ماجراجویان و عقل ستیزانی در افتد که بر هزینه‌های سنگین و مخرّب سیاست‌هایشان نام «عمق راهبردی» می‌گذارند. اتکای به همین خردورزی و عقلانیت و مسئولیت‌پذیری در میان جوانان بود که شعار جوانگرایی را مبدل به یکی از محوری‌ترین شعارهای ریاست محترم جمهور، دکتر مسعود پزشکیان نمود.

بر این اساس ستاد جوانان مردمی دکتر پزشکیان در استان بوشهر بر خود لازم می‌داند، دغدغه‌های خود را در آستانه انتخاب استاندار جدید با شفافیت مطرح بدارد؛ دغدغه‌ها و مطالباتی که نه تنها بر اساس یک حق شکل گرفته، بلکه مسئله‌ای است که در میان مدت و دراز مدت با امنیت ملی کشور مرتبط می‌شود؛ چراکه امنیت ملی در یک کشور ساخته و پرداخته نیروهای انسانی ماهری است که هم از سطح تحصیلات عالیه برخوردار بوده و هم از تجربه کافی در عرصه‌های مختلف مدیریتی بهره‌مند باشد. عدم توجه به نقش جوانان در فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مدیریت‌های میانی و کلان استانی و ملی، نسلی را بار می آورد که فاقد انباشت تجربیات مدیریتی بوده و در آینده‌ای نه چندان دور با خارج شدن نسل کنونی از رده‌های مدیریتی سازمانی مخاطرات جدی برای کشور می‌تواند ایجاد کند. از سوی دیگر شکل‌گیری یأس و نا امیدی دوباره در جوانانی که برای تغییر و اصلاح شرایط کلی و جزئی کشور به دکتر مسعود پزشکیان رأی داده‌اند، می تواند با خلق سرخوردگی‌ها، بنیان‌های مشروعیت نظام و ثبات سیاسی کشور را در آینده‌ای که چندان دور نخواهد بود زیر سئوال برده و بر شکاف‌های نسلی و مشروعیت بیافزاید که تبعات سنگینی می‌تواند برای امنیت ملی و ثبات نظام سیاسی کشور پدید آورد. لذا به نظر می‌رسد مسئلهٔ جوانگرایی در کوتاه مدت اگرچه یک شعار تبلیغاتی و انتخاباتی است، اما در آیندهٔ میان مدت و دراز مدت مبدل به مسئلهٔ اساسی در امنیت ملی کشور خواهد شد.

با توجه به اهمیت این موارد، معاونت جوانان و دانشجویان ستاد مردمی دکتر پزشکیان در استان بوشهر سه اولویت اساسی استاندار آیندهٔ استان را در راستای شعار راهبردی و بنیادین جوانگرایی در این استان، در سه محور زیر ارزیابی می نماید.

۱. وعده‌های رئیس‌جمهور

آن‌چه بیش از هر چیز دیگر امید جوانان را به عنوان یکی از مهمترین سرمایه‌های اجتماعی در آیندهٔ پیش رو تهدید می‌کند، عدم پایبندی مسئولین استانی و مدیران منتخب در ارگان‌های مختلف به شعارها و برنامه‌های انتخاباتی دکتر پزشکیان و عدم اعتنا و پیگیری مطالبات عموم جوانان حامی دولت خواهد بود. لذا با توجه به اهمیت خدشه‌ناپذیر وفاداری به عهدهای بسته شده میان دولت و ملت، توجه ویژه برای تحقق آن وعده ها و ترسیم حرکت مسئولین استانی بر اساس آن، مهم‌ترین مطالبه از استاندار آینده خواهد بود.



۲.اشتغال

استان بوشهر به عنوان یکی از ثروتمندترین استان‌های کشور ظرفیت‌های عظیمی از فرصت‌ها را در دل خود نهفته دارد. استان بوشهر دارای عظیم‌ترین ظرفیت‌ها در حوزهٔ شیلات، کشاورزی، صنایع دریایی، گمرکات و تجارت، توریسم و گردشگری و همچنین ایستاده بر کرانه‌های قلب و قطب انرژی کشور و بلکه انرژی دنیا است. اما متأسفانه به دلیل ساختارهای معیوب و نبود نقشه‌های راه کلان این ظرفیت‌ها مبدل به توسعهٔ پایدار و ایجاد اشتغال برای جوانان بوشهری نشده است. برخی از فرصت‌های شغلی به تعبیر نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی به واسطهٔ دست‌های پنهان غیرپاسخگو تماماً در اختیار نیروهای خارج از استان قرار می‌گیرد که به خلق احساس تبعیض و بی‌عدالتی بسیار گسترده در میان جوانان استان بوشهر منجر شده است. از سوی دیگر جوانان حامی دکتر پزشکیان به خاطر رویکردهای امنیتی ناصواب و فزاینده به صورت مضاعف از حقوق بدیهی و برابر با دیگران برای احراز یک شغل محروم می‌شوند. حل شایسته و بنیادین این مسئله از مهمترین خواسته‌ها و مطالبات جوانان در مقطع کنونی از استاندار آیندهٔ بوشهر ارزیابی می‌گردد.

۳. تحول مدیریتی و تحول در نظام گزینش

جوانان استان بوشهر در حالی وارث مشکلات متعدد می‌شوند که خود در پدید آمدن این مشکلات هیچ نقشی نداشته‌اند. سیستم ناکارآمد مدیریتی، عدم شفافیت‌های اداری و مالی، عدم پاسخگویی شایسته و عدم قانونگرایی ملازم با توسعه قسمت عمده‌ای از مشکلات کنونی را رقم زده است. نیاز امروز استان بوشهر ایجاد یک تحول عمیق اداری در نحوهٔ مدیریت استان است. در این راستا و بر اساس وعده‌های انتخاباتی ریاست محترم جمهور توقع صریح جوانان حامی دولت که خانه در دل اصلاحات دارند از مقام ارشد استان آن است ضمن پاسداشت و گسترش آزادی‌های مشروع و حقوق مصرح ملت در قانون اساسی کشور که خود زمینه ساز توسعه خواهد شد، فضا را برای تحول مدیریتی استان فراهم آورد. ضمن این‌که در راستای شعار جوان‌گرایی، این ستاد قائل به آن است باید نگرش و برنامهٔ ویژه‌ای برای حضور جوانان در رده‌های مدیریتی استان در دستور کار قرار گرفته و مقدمهٔ گذار بین نسلی فراهم آید.

از سوی دیگر جا دارد استاندار آیندهٔ بوشهر این مسئله را در نظر آورد که بنا به تجربیات تلخ سال‌های اخیر، بیم آن می‌رود که به اسم «وفاق ملی» ثمرهٔ جوانگرایی در استان بوشهر، بر سر کار آمدن «دسته‌ای» شود که کمترین نسبتی با اصلاحات و جریان عقلانیت و اعتدال‌گرایی نداشته و در ایام انتخابات با نزدیکی به مراکز خاص قدرت در ستادهای رقیب دکتر پزشکیان فعال بوده و در تخریب و اهانت و سیاه نمایی علیه ایشان و جبههٔ اصلاحات از هیچ منکر و دروغی رویگردانی نداشته‌اند. پیشاپیش باید متذکر شد هیچ استدلال و توجیهی در به کارگیری نیروهایی که ضدیت خود را با منش و روش اصلاحات اعلام کرده‌اند برای جوانان خدّوم اصلاح طلب و حامی دکتر پزشکیان قابل پذیرش نیست و در حالی که تهدیدات و تضییقات خنثی کردن توطئه‌های خرد و کلان علیه جریان اصلاح‌طلبی و اعتدال در همهٔ این سال‌ها متوجه جوانان اصلاح‌طلب و فعالین ستادی بوده است، میوه و بار این درخت رشد یافته که انتساب استاندار همسو با دولت در استان بوشهر از آخرین برکات آن است، نصیب جناح رقیب گشته و بار دیگر جوانان متعهد و شایستهٔ جبههٔ اصلاح و اعتدال به چوب ندانم‌کاری‌ها رانده و انکار شوند و بر این اجحاف، صد دلیل ناموجه و مسئولیت‌گریز اقامه گردد.

در پایان باید اشعار داشت این روزها بیش از هر روز دیگر به اتحاد و انسجام و نزدیکی دل‌ها نیازمندیم. امیدواریم استاندار آیندهٔ بوشهر با همت عالی و بهره‌گیری از خرد جمعی و درایت و هوشمندی لازم همهٔ نیروهای مولد و سازنده در استان را گرد هم آورده و خود سکاندار استان به سمت توسعه، عدالت و حکومت قانون شده تا با تحقق برنامه‌های دولت، فرصت رشد و بالندگی روز افزون استان بوشهر فراهم آید.

معاونت جوانان و دانشجویان ستاد مردمی دکتر پزشکیان استان بوشهر/ مهر ۱۴۰۳

نقد و بررسی رمان «تو هم همینطور» نوشته حسین پورصفر، در تهران

رمان «تو هم همینطور»؛ جدال محترمانه حس و زندگی!



منتقدی رمان «تو هم همین‌طور» را جدال محترمانه بین حس و زندگی می‌خواند و منتقد دیگر به ضعف قصه آن اشاره می‌کند و البته می‌گوید رمان قوت‌های مخصوص خودش را دارد.

به گزارش ایسنا، پنجاه و دومین نشست از جلسات ادبی «نقد چهارشنبه» که به نقد و بررسی رمان «تو هم همینطور» نوشته حسین پورصفر اختصاص داشت، با حضور نویسنده و جمعی از نویسندگان و منتقدان، روز ۲۶ مهرماه، در کاف کتاب ونک برگزار شد.

در ابتدای جلسه مسعود پهلوان‌بخش، مجری جلسه، در معرفی نویسنده گفت: حسین پورصفر، نویسنده اهل بوشهر، متولد دهه ۳۰ است، که با وجود نوشتن ۵ رمان، آن‌طور که درخور او است، بین محافل ادبیات داستانی مرکز، آثارشان معرفی نشده است.

سپس ابراهیم مهدی‌زاده به عنوان نخستین منتقد، در سخنانی گفت: «تعداد اندکی از هنرمندان دهه ۵۰ به بعد، توانستند خود را از جهان دوآلیسم خیر و شری و متعهد غالب تا دهه ۷۰ نجات دهند و نگاهی نو را به هنر و ادبیات پیشرو رقم بزنند، ادبیاتی متعهد به خود ادبیات.

حسین پورصفر از جمله کسانی بود که علیرغم این که در دوران جوانی و دانشجویی در این فضای دوآلیسم نفس کشید و شعر سرود، اما توانست در دهه ۷۰ با تحول عظیمی که در فضای ادبیات ما خرده خرده جریان می‌یافت، همراه شود.»

او ادامه داد: کسانی که آخرین رمان پورصفر، یعنی «تو هم همین‌طور» را خوانده‌اند، به یاد می‌آورند که سیاوش در جمع داستان خوانی‌شان، به عنوان راوی شرح می‌دهد که چگونه از شعر به داستان و رمان کوچ کرده، برای آن‌که در شرایط حاضر، داستان بیشتر قادر است که با توصیف و بیان رنج‌ها، خواسته‌ها، آمال‌ها و تناقضات پیچیده بشری، ذهن خواننده را به سوی زیست متعالی سوق دهد.»

مهدی‌زاده در بخش دیگری از نقد خود بیان کرد: «در هر ۵ رمان حسین پورصفر، زن نقشی پویا و حضوری فعال دارد. گاهی با نام شوکت، یا فهیمه و در این رمان با نام نرگس. نکته دیگر این که در رمان اخیر شاهدیم که افکار و کابوس‌های مدام در بیداری و خواب، لحظه‌ای سیاوش را رها نمی‌کند. این کابوس سیاه و ویرانگر در روح و روان سیاوش از رمان «آبان ماه سال هشتاد» آغاز شده و در دیگر آثار او مدام تکرار گردیده و تا «تو هم همین طور» ادامه دارد.»

حیسن پورصفر، نویسنده درباره رمان خود در این مراسم گفت: «پس از تحصیل در رشته ریاضی، در سال ۱۳۵۳ در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران قبول شدم، اما خیلی زود متوجه شدم که این رشته چیزی برای من ندارد. لاجرم آن را رها کردم و مدت‌ها به مشاغل مختلف مشغول بودم، بی‌این که بدانم ناخودآگاه با این شغل‌های متفاوت، عملاً دارم زمینه‌ها و بستر داستان نویسی‌ام را در آینده مهیا می‌کنم. هر چند باید بگویم ورود به دنیای داستان‌نویسی برای من ساده نبود؛ زیرا تحت تأثیر شخصیت مادرم، که اهل شعر و داستان بود و تمام شعرهای فایز و مفتون را از بر می‌خواند، در سن ۱۲سالگی شروع به سرودن شعر کردم. اتفاقاً بعضی از اشعارم در بعضی جراید آن سال‌ها هم چاپ شدند. اما در دهه ۶۰ کم کم متوجه شدم که دیگر مانند سابق نمی‌توانم شعر بگویم. اصطلاحاً چشمهٔ شعرم داشت می‌خشکید. تا آن‌جا که به سمت ضد شعر گرایش پیدا کردم و چند مجموعه شعرم را هم از بین بردم.»

پورصفر دربارهٔ به دنیا داستان نویسی این‌گونه ادامه داد: «در طول این سال‌ها رمان و داستان های زیادی می‌خواندم. البته از سال ۵۰ عاشق سینما بودم. حتی چندتایی فیلم هم دارم که یکی از علت‌های آن بر می‌گشت به آشنایی‌ام با برنامه‌های جشن و هنر شیراز، در آن سال‌ها. پس از تجربیاتی، در سال ۱۳۶۷ به صورت جدی تصمیم گرفتم داستان بنویسم، که حاصل آن رمانی شد به نام «هیاهوی پنهان» که در مورد دوستی بود که با هم شعر می‌گفتیم و وقتی افسر وظیفه بود در جبهه جنگ با عراق، با گلوله توپ کشته شده بود. نوشتن این کتاب برای من ۱۰ سال زمان برد. نوشتن رمان بعدی ام «آبان ماه سال ۸۰» هم که حدود ۱۵۰-۱۶۰ صفحه بود، ۳ سال طول کشید.»

حسین سناپور، نویسنده و منتقد ادبی هم در این نشست گفت: در ابتدا باید بگویم که من شخصا بسیار لذت بردم و نویسنده را تحسین می‌کنم که سال‌ها است علیرغم این که در شهرستان است، به طور کاملا جدی و حرفه‌ای دارد داستان می‌نویسد، آن هم بی‌اعتنا به سختی‌ها و مشکلات، و اینقدر متنوع. مثلاً داستان «آبان ماه سال ۸۰» داستانی است گزارش گونه، از پدری که پسرش در دریا غرق شده یا به قتل رسیده. داستانی جنایی-معمایی اما با تم اجتماعی، از نوع مخصوص به جامعهٔ ما. به نظر من آقای پورصفر به صورت غریزی می‌نویسد، به صورت تجربه‌های مختلف. برای همین هم به نظرم این رمان را باید از این زاویه خواند و به‌آن نگاه کرد.»

در ادامه این نشست ادبی برخی از منتقدان حاضر در جلسه هم به بیان نظراتشان پراختند.

نویسنده، در پاسخ به پرسش یکی از حاضران درباره تأثیر جریان‌های فکری و سیاسی بر او، گفت: هیچ گاه در هنر، چه در شعر (تا پیش از دهه ۶۰) و چه حالا در داستان، دنبال ایدئولوژی یا موضع گیری سیاسی نبوده و نیستم.

پوریا فلاح، منتقد دیگر در ادامه جلسه گفت: در این رمان، شاهد جدال محترمانه‌ای بین دو چیز هستیم؛ حس و زندگی. بخشی که عمدهٔ آن از کابوس‌ها است و بخش دیگری که واقعی است و بیشتر شامل ارتباط با دوستان داستان‌نویس است. برای من هنگام خواندن، هرگاه رمان به سمت داستان می‌رفت، جذاب و هر گاه که به سمت گفت‌وگو و ارجاعات می‌رفت، کمی خسته کننده می‌شد. مثلاً در دیالوگ‌ها، و صحبت‌هایی که با نیک‌منش می‌شود، شاهد افراط هستیم. در مورد ارجاعاتی که در متن آورده شده، گاهی به غنای اثر کمک کرده، اما بیشتر به نظرم باعث اطناب اثر شده است. مطلب بعدی در مورد کلمات ارتباطی یا فقدان «را» ها در متن است که کاش به آن‌ها دقت بیشتری می‌شد، تا منِ خواننده در خوانش کمتر دچار اشکال شوم.

سپسِ عباس باباعلی، از حاضران نشست گفت: «ابتدا اشاره کنم که من از خواندن رمان لذت بردم و رمان آن‌قدر برایم کشش داشت که یک روزه آن را تمام کردم. یک علت آن خوش‌خوان بودن و علت دیگرش دیالوگ محور بودن رمان بود. آن هم دیالوگ‌های کوتاه و صریح. مطلب جذاب دیگر پاراگراف‌ها یا بحث‌های انتزاعی زیبایی بود که گاه در رمان طرح می‌شد. مانند: بحث عشق، توصیف باران و.... در کنار این نقاط قوت، داستان چالش‌های خودش را هم دارد. از جمله: لحن بومی آن، منظورم «را» های مفعولی است که به کرات جای خالی‌شان در جملات حس می‌شد. البته شاید بتوان آن را نه نقیصه، که ویژگی این رمان و نشانهٔ اقلیم یا جغرافیای جنوب دانست و نوعی قوت برای رمان. چالش بعدی ارجاعات متعدد عمدتاً غربی در رمان است که به نظرم مخاطب و خواننده رمان را خاص و محدود می‌کند. در کنار این سوال که آیا نمی‌شد در این رمان به ارجاعات وطنی هم اشاراتی می‌شد، یا بجای نام بردن و فقط نام بردن از مکان ها، کمی به توصیف زیست بوم رمان هم پرداخته می‌شد؟

پریا نفیسی با بیان این‌که به‌نظرم نویسنده پروسه نگارش کتابش را برای ما بازگو می‌کند، اظهار کرد: نویسنده می‌گوید: می‌خواهد واقعیت را بنویسد، واقعیتی که خودش در زندگی‌اش دارد تجربه می‌کند، که شامل کابوس‌ها، افکار، کتاب‌هایی که می‌خواند، فیلم‌هایی که می‌بیند، وسواسی که دارد و... است. برای همین هم همین‌ها را در رمانش می‌نویسد. به نظر من می‌شود رمان را از چند بعد بررسی کرد: ۱- بعد خانوادگی ۲- زندگی فردی ۳- پروسه داستان نویسی ۴- زندگی شغلی. در نهایت این که به نظر من شاید با یک دور خواندن، نتوان در مورد چنین رمانی نظر داد.

سیروس نفیسی هم که برگزار کننده این نشست‌ها است، در ادامه این نشست ادبی گفت: برای من هم خواندن کتاب جذاب بود و ارجاعات مستقیم به کتاب هایی مانند خداحافظ گاری کوپر یا مداد پاک کن های آلن رب گریه، نشسته در کار به نظر می‌رسیدند، اما یک سوم انتهایی رمان، که ارجاعاتی به فیلم‌ها و سریال هایی خاص داشت، کمی برایم تکراری شدند. به نظرم نویسنده می‌توانست این بخش‌ها را کوتاه‌تر کند، یا تمهیدی دیگر برای آنها بیندیشد. به نظرم خط داستانی که با دور همی راوی و دوستانش آغاز می‌شود و با کابوس‌های راوی ادامه می‌یابد، اگر تا انتها نخ تسبیحش پر رنگ‌تر امتداد داشت، کار را قدرتمندتر می‌کرد. اما بجز فصل آخر و آن تلفن ناشناس و هول برانگیز، اشاره مشخص دیگری به علت کابوس‌ها نمی شود. در نهایت هم این‌که این اثر را باید پیشنهاد نویسنده برای رمان معاصر دانست، که متکی به قصه‌گویی نیست و از این نظر باید به نویسنده تبریک گفت.

در پایان جلسه حسین پورصفر، ضمن پاسخ گویی به نقد یا سوالات برخی از حضار، گفت: «سعی می کنم هر رمانم متفاوت با رمان قبلی‌ام باشد. روی کشش داستانی تکیه زیادی دارم. البته کشش هر داستان یا رمانی می‌تواند برگرفته از عناصر متفاوتی باشد، از پیرنگ گرفته تا زبان.»

خاطرات فرهاد امینی بازیکن پیشین ایرانجوان و فوتبال تهران و بوشهر(۹)

دوری بوشهر از پایتخت، جلوی پیشرفت بازیکنان بوشهری را گرفت



به باور من در تیم‌های بوشهری همواره بودند بازیکنان بزرگی که همگی می‌توانستند در تیم‌های تهرانی بدرخشند و پیشرفت کنند و به تیم ملی ایران کمک کنند ولی با شناخت از خصوصیات و اخلاق و دلبستگی‌شان به شهر و زادگاه پدری‌شان، هرگز روحیه دوری از خانواده‌شان را نداشتند، حتی نادرخان اقدام با پیشنهادی وصف برانگیز در موقعیتی عالی و در بهترین روزهای جوانی به آمریکا سفر کردند و هم جهت پیشرفت ورزش فوتبال و هم زندگی و تحصیلات عالیه، خیلی زود متوجه شدند که دوری از شهر و خانواده را نمی‌توانند تحمل کنند و با این‌که از بهترین امکانات و پیشنهادات بهره‌مند بودند ولی از نظر شرایط روحی و روانی طاقت نداشتند و به شهر عزیز بوشهر بازگشتند و شکر خدا در تیم ایرانجوان با درخشش کنار کاپیتان شریفیان و رسول حسن‌پور و شادکامی و برادران چاهی‌بخش و مندل برزین و حسین حیدری و برادران وردیانی و برادران قدسی و... افتخارات فراوانی کسب کردند.

در تیم ایرانجوان و تابان و پاس و تاج و دارایی همواره بازیکنان بسیار بزرگی چهره می‌شدند و در همان سال‌ها پدیده لیگ بوشهر.

خوشبختانه در بوشهر مردان بزرگ و بی‌ادعایی بودند که با عشق و عاشقی از جان و مال خویش هزینه می‌کردند و با تلاش فراوان مربیگری و هرساله چون یک کارخانه بازیکن‌سازی داشتند. مردانی که دیگر هرگز مادر گیتی نخواهد دید، بمانند استاد مجید چاهی‌بخش و آقایان جواد گرانبها، جلال خان غریب‌زاده و ابراهیم خان فرهومند ملقب به ژنرال، ناصرخان خرسند و علی ماهینی و تاجدینی و آقای جلیلی در تیم دارایی، البته بودند کسانی‌که در محلات مشغول سازندگی و کمک به تیم‌های محلات می‌کردند و بهترین تیم‌ها را داشتند و در محلات با مسابقات محلی و کاپ‌هایی با نام‌های مختلف بازی‌هایی بس زیبا برگزار می‌شد. تیم‌هایی چون فرودگاه و تیم امید سنگی و سکان و لیان و رهبر که آقا حبیب پورتقی یکی از مربیان باسابقه و مردی خوشنام هرساله بازیکنان جوان و آینده‌داری را به تیم‌های مختلف بوشهر به‌ویژه ایرانجوان بوشهر تحویل می‌داد، بوشهر شهری که اگر از مرکز دور نبود و راهی چون امروز صاف و هموار بود را داشت به جرات می‌توان گفت بازیکنان بزرگی چون ماشاالله ماهینی‌ها و حسن حیدری‌ها و مصطفی قنبری‌ها، مختار کلانتری‌ها وحید درمسراهایی را به فوتبال ایران و تیم ملی تقدیم می‌کرد.

شکر خدا هم‌اکنون فرزندان غیور و متعصب و دریادلان بوشهری چنان جایگاهی در تیم ملی و ایران عزیز دارند که هرساله می‌توانند با پتانسیل بالا و نیروی جوانی مستعد بازیکن به تبم ملی ایران تحویل دهند و سهمی بسزا داشته باشند.

جذب بازیکن برای تاج از سراسر کشور

من در عنفوان جوانی با بهترین‌های تیم ملی ایران هم‌بازی بودم. از پرویز خان قلیچ‌خانی گرفته تا سلطان علی جباری که بارها و بارها درکنارش افتخار بازی کردن را پیدا کردم، در گذشته هر ساله تیم تاج ایران بخاطر طرفدارانی که در شمال و جنوب و چند شهرستان دیگه بمانند گنبد کاووس داشتد، ایام عید سعید نوروز برای انجام چند بازی دوستانه سفر می‌کرد و سیاست باشگاه در این مورد تقویت تیم‌های زیرمجموعه خود توسط چند ملی‌پوش تاج و کلنی از دو تیم بود که معمولا از تیم‌های دیهیم و نگهبان و افسر و پله و بوتان پرویز خان ابوطالب و عباس آقا کردنوری هدایت این تیم‌ها را بعهده می‌گرفتند و در واقع با یک تیر دو نشان می‌زدند، نخست بازیکنان جوان که تحت نظر بودند و جای پیشرفت داشتند در سفر با هماهنگی بیشتر با ملی‌پوشان تاج محک می‌خوردند و در آغاز بازی‌های رسمی به تیم بزرگ و دوست داشتنی تاج ایران ملحق می‌شدند و در ثانی فرصتی بود برای دیدن بازیکنان شهرستانی که لیاقت بازی در مرکز را داشتند، یا در زیرمجموعه تاج بازی



از راست: علی برزگر، ابراهیم آگین، فرهاد امینی سال ۱۳۵۷

و یا در تیم بزرگ تاج ایران، در واقع این سیاست مدیریت در زمان پرویز خان خسروانی بسیار کارساز بود.

تیمسار خسروانی بخاطر فعالیت خود در ژاندارمری و محبوبیت و قدرت اجتماعی‌شان، بستری فراهم بود تا تیم‌های تاج و زیر مجموعه تاج در اقصی نقاط ایران که ژاندارمری فعال بود، ما را به عنوان پسرها و یا فرزندان تیمسار خسروانی پذیرا باشند و عجبا که چه احترام و جایگاهی داشتیم.

بهترین مهمانسراها و هتل‌ها و رستوران‌ها در جنوب



از راست: حسین وردیانی، عباس شریفیان، فرهاد امینی، حسین حیدری پیشکسوتان ایرانجوان بوشهر

و شمال و اهواز و آبادان و خرمشهر و حتی سنندج و دیگر بنادر بازی‌های دوستانه انجام می‌دادیم از سنندج دکتر بیژن ذوالفقار نسب از جنوب منصور رشیدی محمد صادقی قاسم فلاح‌زاده و علیرضا چهار محاله و محمدعلی کاردان و خیلی نفرات دیگه با تأیید مربیان تیم تاج آقای محمود بیاتی و یا علی آقا دانایی فرد و یا عباس آقا کردنوری به تهران دعوت می‌شدند و در تیم‌های مختلف بازی می‌کردند.

بعضی از آن‌ها جذب پاس و یا شهربانی و بعضی‌ها در تیم دارایی و بعضی‌ها در افسر و دیهیم و تاج و بخاطر خدمت سربازی بازیکنان بزرگی چون حسین خان کازرونی و یا مجید خان حلوایی به تیم پاس رفتند، در جنوب ایران در شهرهای کوچک هم طرفداران تاج بسیار بودند در هفتگل و بهبهان و اهواز و آبادان، ولی متأسفانه طی این همه سفر به استان‌های مختلف فقط سال ۱۳۴۲ منتخبی از بازیکنان تاج به بوشهر سفر کردند که گویا در اوج بازی بزرگان بوشهری بود.

مجیدخان چاهی‌بخش غلام خان پورچنگی و مندل برزین ستاره آن روزهای فوتبال بوشهر و تنی چند که مطمین نیستم نام های‌شان را درست بیان کنم، در شهر بوشهر بخاطر راه سخت و پرخطر و دوری از مرکز خیلی از استعدادهای ناب بوشهری فرصت هنرنمایی و پیشرفت و دسترسی به تیم ملی ایران را پیدا نکردند.

حکایت غرق شدن ۳۳ کارگر بندر بوشهر در سال ۱۳۴۱

شب ماتم کارگران کشتی در امواج سیاه دریای بوشهر



مرگ سیاه

مرگ سیاه ۵۸ کارگر کشتی مردم بوشهر را غرق در عزا و ماتم نموده است، اگر در حادثه‌ای یک نفر از طبقات مرفه و با سروسامان تلف شود، فوراً صدها مجلس عزا و سوگواری بر پا می‌شود ولی در این حادثه که در عرض یک شب ۳۳ نفر کارگر بندر بوشهر به کام آب‌های خروشان رفته و ده‌ها نفر را در عزای خود نشاندند، نه تنها صدائی از کسی برنخاست بلکه ظاهراً مقامات و دستگاه‌های مسئول هم از کیفیت آن بی اطلاع بوده‌اند چنان‌که گزارش ماجرا چند روز بعد به تهران رسیده است.

شب ۱۸ دیماه (۱۳۴۱) هنگامی که پنجاه تن بار در مخزن کشتی (ایربی) ایتالیائی برای تخلیه باقی مانده بود، فرمانده کشتی به مأمور بندری اداره گمرک نماینده اداره بندر دستور می‌دهد باقی مانده کالای کشتی را با یک لنج موتوری به بوشهر حمل کنند. در همه جای دنیا کشتی‌ها در بندر تحت فرمان و اطاعت مأمورین بندر هستند ولی در کشورما، مأمورین مطیع و برده فرمانده کشتی ها می‌باشند.

کشتی «ایربی» ۴۸ ساعت در بندر توقف کرده و کالای مخصوص فارس را تخلیه کرده بود، در ساعات آخر در کنار کشتی یک لنج ۲۵ تنی با ۵۰ تن بار و ۵۸ سرنشین باقی مانده، ناخدای کشتی به «بندر» و «گمرک» پیشنهاد تخلیه ۵۰ تن بار و پیاده شدن ۵۸ کارگر محلی را از روی کشتی می‌نماید. مأمورین از خدا بی خبر «گمرک» و «بندر» هم با پیشنهاد ناخدا موافقت کرده دستور تخلیه همه کالاها و حرکت کارگران را می‌دهند.

به موجب قوانین بین‌المللی کاپیتان کشتی و مأمورین بندر و گمرک حق نداشته‌اند به این کار جنایت‌آمیز دست بزنند ولی این کار انجام گرفت و فاجعه بزرگی به بار آمد، لنج موتوری نیم‌ساعت بعد از جدا شدن از کشتی گرفتار تلاطم و موج دریا شد و به قعر آب فرو رفت. هنگامی که لنج سر کوچه کانال دریائی آماده پیچیدن بود، فرمان کشتی شکسته و چند موج بزرگ، قایق و سرنشینان و بار را واژگون کرده است. وقتی لنج سرنگون شده، نگهبانان دو کشتی ایتالیائی و آلمانی که در بندرگاه (زهر) بوشهر بوده‌اند، متوجه نابودی و به دریا افتادن سرنشینان آن شده‌اند. کشتی ایتالیائی که فرمانده‌اش در این جنایت دست داشته، آماده فرار و چند ساعت بعد از بندرگاه خارج شده است. کشتی آلمانی شرکت (هانزالین) که در بندرگاه بوده با پرتاب فشفشه‌های رنگین و به حرکت در آوردن نورافکن‌های قوی و سوت خطر اجرای غرق شدن را اطلاع داده است، ولی در این موقع اداره بندر بوشهر تعطیل و مأمورین آن در خواب ناز بوده‌اند بی سیم کشتی آلمانی با علامت خطر (اس – او– اس) به کلیه کشتی‌هائی که در اطراف بندر در حرکت بوده‌اند ماجرای غرق ۵۸ انسان زحمتکش را اطلاع داده‌اند و نخستین کشتی که علامت خطر بی‌سیم آلمانی را گرفت کشتی (تیارکس) شرکت انگلیسی (وکا. شرکت روشنائی خلیج فارس) بوده است.

اهالی بوشهر از دیدن فشفشه‌ها و نورافکن‌ها وحشت‌زده به کنار ساحل آمده عده‌ای با قایق بادی و موتوری به استقبال غرق شدگان رفته‌اند ولی دریا طوفانی بوده و قایق‌ها نمی‌توانسته‌اند به محل حادثه نزدیک شوند.

اداره بندر بوشهر دو ناوچه یدک‌کش تندرو و یک بی‌سیم بسیار قوی دارد، گویا در آن شب دو ملوان کشیک هم در روی قایق‌ها و ناوچه‌های بندر بوده ولی چون مأمورین بندر خواب و ملوانان در خانه‌های خود بوده‌اند کسی جرات حرکت دادن قایق‌ها و ناوچه‌ها را نداشته است.

سازمان زائد

اداره کل بنادر در تهران سازمان عریض و طویلی یا یک گروهان (مهندس دریا ندیده) دارد، از چند سال قبل مقرراتی برای اداره بنادر خلیج‌فارس وضع کرده که ظاهرا قسمت مالی آن اداره می‌شود. بدین ترتیب از هر کشتی مبلغ هنگفتی به نام عوارض بندری، حقوق بندری و حقوق گمرکی از کشتیرانی‌ها و نمایندگان آن‌ها هنگام توقف در آب‌های خلیج فارس می‌گیرد. در مقابل ادارات بنادر خلیج فارس موظفند با چراغ‌های دریایی (گوئه – بویه) برای راهنمائی کشتی‌ها، راهنمایان محلی، بی‌سیم و رادار، یدک‌کش، ناوچه‌های بازرسی و تندرو حوزه مأموریت خود را کنترل کرده و مواظب اجرای مقررات بین‌المللی در مورد ورود و خروج کشتی‌ها باشند ولی از ده سال قبل که اداره بنادر تشکیل شده تا امروز برای نمونه یک اقدام جزئی برای احراز حاکمیت ایران در خلیج‌فارس و یا انجام مقررات بین‌المللی ننموده‌اند و بطوری که در این فاجعه عظیم دیده شد، مأمورین گمرک و بندر، آلت دست فرمانده کشتی ایتالیائی شده و سبب مرگ ۳۸ کارگر زحمتکش شده‌اند.

دلالان بین‌المللی

بعد از حادثه غرق ۵۸ کارگر،کشتی کمپانی بیمه لوید که مجبور به پرداخت حق بیمه ۵۰ تن کالای محموله کشتی (ایربی) است به وسیله نمایندگان خود در بوشهر ضمن خبر غرق ۵۸ کارگر کشتی به دولت ایران پیشنهاد کرده تا اداره بنادر خلیج فارس خدمات و تکالیفی را که مربوط به امور دریانوردی و کشتی‌رانی است و جنبه بین‌المللی دارد انجام دهد. داستان سوء استفاده شرکت‌های کشتی‌رانی در خلیج‌فارس تعیین سورشارژ و بیمه، اضافی، همه حکایت از همدستی چند نفر از ایرانیان با صاحبان کشتی‌های جهان و شرکت‌های کشتیرانی می‌کند که متاسفانه در مرکز مملکت یک عرب دلال مجهول‌الهویه و قاچاقچی کارگردان و نمایندگی آن‌ها را دارد. این مرد عرب مانع از ورود شرکت‌های خارجی به آب‌های خلیج‌فارس و تنزل نرخ کالا و بهبود اداره بنادر است، در حال حاضر فقط دو بندر خرمشهر و شاهپور دارای سازمان کوچکی است و ادارات بنادر بوشهر، لنگه و عباسی یک سازمان تشریفاتی است که اثر وجودی ندارد.

وقتی که آن‌ها مردند

سلمان بلال‌زاده که جوان ورزشکار و سیاهپوستی است، جریان غرق موتور لنج را شرح داده و گفته است: وقتی که لنج غرق شد من ۵ کارگری را که شنا بلد نبودند دور خودم جمع کرده و به آن‌ها گفتم محکم همدیگر را بگیرید و به یکی از آن‌ها که هیچ شنا بلد نبود دستور دادم کمربند من را گرفته و با هرچه نیرو داشتم شناکنان به طرف ساحل حرکت کردم. در راه دو نفر را دیدم که در حال غرق شدن بودند، یک پدر و یک پسر که ضعیف بودند در جلوی چشمان رسول دشتی به زیر آب رفتند، از سرنشینان لنج ۲۸ نفر نجات یافته با شنا به ساحل رسیدند، سه نفر در بیمارستان فوت کردند و جسد چند نفر از آن‌ها نیز در کناره ساحل جنوب غربی بوشهر (بهمنی و دستک) از آب گرفتند. از اجساد سایر سرنشینان لنج تا امروز اطلاعی در دست نیست.

(منبع: کتاب هزار و یک شب استان بوشهر، غلامرضا غریب‌زاده، به نقل از تهران مصور شماره ۱۰۱۲ مورخ ۱۳۴۱/۱۱/۵).



nasimjonoub.com

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

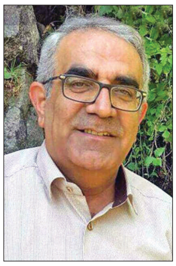
هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰

www.nasimjonoub.com

سقوط نگران کننده‌ی طبقه‌ی متوسط

دکتر سعید معدنی



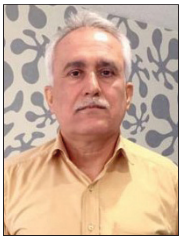
چند روز پیش به یکی از بنگاه‌های معاملات املاک شهرک اکباتان در غرب تهران سری زدم. دفتری روی میز کارشناس مربوطه بود که اسامی و شماره تلفن متقاضیان و مشخصات خانه‌های اجاره‌ای مورد نیاز آن‌ها را درج کرده بود.
با تعجب دیدم تمامی متقاضیان دنبال سوئیت و آپارتمان‌های یک خوابه و دوخوابه بودند. در حالی که در این مجتمع و شهرک قدیمی و نام آشنا آپارتمان‌های سه خوابه و چهار خوابه هم وجود دارد اما هیچ متقاضی نداشت. از فرد کارشناس پرسیدم برام جالبه که برای سه خوابه و چهار خوابه متقاضی نیست؟ در پاسخ گفت مدت‌هاست قدرت اقتصادی مردم کاهش پیدا کرده و با توجه به گرانی سرسام‌آور در جامعه توانی در مردم نمانده و به سختی می‌توانند آپارتمان‌های متراژ بالا را اجاره کنند. مثلا یک آپارتمان سه خوابه در این شهرک نزدیک دو میلیارد رهن کامل و آپارتمان چهارخوابه بیش از دومیلیارد است و امروزه دیگر پرداخت آن در توان هر کس نیست. یا رهن و اجاره مثلا با پیش پرداخت ۵۰۰ میلیون و کرایه ماهیانه ۳۵ میلیون برای یک آپارتمان سه خوابه دیگر برای بسیاری دشوار و حتی غیرممکن شده است. تعدادی از این اسامی که این‌جا ثبت شده سال‌های قبل آپارتمان سه خوابه و یا چهارخوابه اجاره کرده بودند اما در مقابل تورم افسار گسیخته و گرانی روز به روز کالاها و خدمات مجبورند در پی مسکن کوچک‌تر باشند.
این در حالی است که شهرک اکباتان از دیر باز محل سکونت طبقه متوسط و متوسط رو به بالا بوده و آدم‌های خودساخته و تحصیل کرده در آن سکونت داشتند. به کارشناس معاملات گفتم واقعا جای تامل و تاسف دارد.
یک فرد مسن مراجعه کننده آن‌جا بود نکته‌ای ذکر کرد که دردناک‌تر بود. این که بعضی صاحبان آپارتمان‌های سه خوابه و چهار خوابه که دوره بازنشستگی را می گذرانند. آپارتمان خود را با همه خاطرات و تعلقات عاطفی اجاره می‌دهند و ساکن آپارتمان‌هایی با متراژ کوچک‌تر می‌شوند تا از مابه‌التفاوت اجاره‌ی آن استفاده کنند. چرا که دیگر حقوق بازنشستگی کفاف زندگی معمولی در شهری مثل تهران را در دوره پیری و بیماری نمی دهد.
از این سقوط جامعه و از این فقر تدریجی که به همه اقشار جامعه و از جمله طبقه متوسط سرایت کرده باید نگران بود. چرا که نظاره‌گر نابودی تدریجی قشر و طبقه ای هستیم که قرار است برای ما اقتصاد و صنعت و فرهنگ و هنر و پیشرفت بسازد.
سقوط طبقه‌ی متوسط یعنی سقوط خلاقیت و ابتکار و سقوط اخلاق و سقوط همه چیز. در همه جای دنیا این طبقه متوسط است که جامعه را می‌سازد و راهبری می کند. ولی متاسفانه در چند دهه اخیر بطور مداوم و سال به سال از ابعاد این قشر کاسته می‌شود و به طبقات پایین‌تر سقوط می‌کنند و ما نظاره‌گر کم‌توان‌تر شدن دائمی اکثر اقشار جامعه هستیم.

نسیم جنوب، سال ۱۳۵۳ ، دبیران و دانش‌آموزان دبیرستان پهلوی بوشهر
ایستاده از راست: رضا آهوچهر، ناشناس، عوض ظفرمند، مهدی حاج صباغ (دبیر زیست)، علی هاشمی، آریان‌پور (دبیر شیمی)، احمد بیجن، ابراهیم حق‌نجات، عبدالناصر احمدی، محمود موسوی‌نژاد، سلمان سالار.
نشسته از راست: اسماعیل زیرک، حسین حسینی، عبدالحسن چعبی، رضا روستا، مسیح خانی، سعید ابطحی، حمید فریدونی.



سه پیشنهاد برای خروج از بن‌بست معرفی استاندار بوشهر

دکتر امان الله شجاعی



برادر گرامی جناب آقای دکتر عبدالرسول عمادی؛ رئیس محترم ستاد انتخاباتی پزشکیان در استان بوشهر
با سلام، نظر به این که اصلاح طلبان بوشهری و ستادهای همراه در زمان انتخابات چهاردهمین رئیس جمهور، تاکنون موفق به توافق در مورد معرفی گزینه‌ای برای استانداری بوشهر به وزارت کشور نشده‌اند، مستدعی است به اتفاق همان همراهان، یکی از این سه راه را برگزیده و مشکل را حل نمایید.
پیشنهاد اول:
فردی شایسته، توانمند و باتجربه را صرفا با نگاه وفاق ملی و عمران و آبادانی و توسعه استان، انتخاب و به وزارت کشور معرفی فرمایید.
پیشنهاد دوم:
تا اطلاع ثانوی و حداقل به مدت یک سال، استاندار کنونی ابقا و با تغییر اساسی در مدیران کنونی (به جز یکی دو نفر) به کار خود ادامه دهند تا امور استان به درستی به پیش برود.
پیشنهاد سوم:
چنان‌چه تحت هیچ عنوان امکان کنار آمدن با مسئولین کنونی را ندارید و یا به توافقی با آن‌ها نمی‌رسید، برای حفظ حرمت خودتان و افرادی که در این مسیر همراهی‌تان کرده‌اند، با صدور بیانیه‌ای موضوع را به اطلاع مردم برسانید تا احیانا انتخاب فرد ناشایست و یا ناکاردان و نیز عواقب سو آن، متوجه شما و همراهان زمان انتخابات نباشد.

نماینده شیراز دست‌بردار نیست:

بحث قرارگیری فارس در کنار دریا را رها نمی کنیم

جعفر قادری، نماینده شیراز در مجلس: ساحلی شدن قسمت‌های جنوبی استان فارس، مطالبه‌ای مربوط به چند دهه است و یکی از خواسته‌های نمایندگان فارس از دولت جدید می باشد.
ما در بخش‌های جنوبی استان می‌توانیم با قرار گرفتن در کنار دریا هم تحولی در سواحل ایجاد کنیم و هم خودمان از این ظرفیت بهره‌مند شویم، پس استاندارجدید هم باید همچین نگاهی داشته باشد.